

نوع مقاله: پژوهشی

الهیات زیست‌محیطی آیت‌الله جوادی آملی بررسی تأثیر جهان‌بینی اسلامی بر محیط‌زیست

ک. سمیرا کریم‌نژادی / دکتری کلام اسلامی جامع‌الزهراء علیه‌السلام

ابراهیم علی‌پور / استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

karimnejadi400@gmail.com

i.alipour@isca.ac.ir

چکیده

نقش الهیات در کنترل و حل بحران فراگیر زیست‌محیطی مهم و تأثیرگذار است. آیت‌الله جوادی آملی با تبیین رابطه انسان و طبیعت مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی و جایگزینی عنوان «خلقت» به جای «طبیعت»، درصدد ارائه راه‌حلی برآمده‌است. لوازم خاص دیدگاه مذکور مبتنی بر آن است که انسان در مقام خلیفه‌اللهمی، برترین مخلوق هستی بوده و طبیعت مسخر اوست. از سوی دیگر، وی امانتدار و مالک طبیعت به‌نحو مشروط و مأذون از سوی خداوند است. درک صحیح این جایگاه به هماهنگی و تعامل مطلوب بشر با طبیعت منجر می‌شود. ایشان مهم‌ترین موانع ارتباط صحیح انسان با طبیعت را روحیه سلطه‌جویی و استکبارطلبی بشر امروز بر مبنای جهان‌بینی مادی‌گرایانه و انسان‌مدارانه تعبیر می‌کند. از نظر ایشان، توجه به آثار و ثمرات مادی و معنوی طبیعت و کارکرد آن در سلامت و رشد معرفتی، عقلانی و روحی انسان و درک تأثیرات متقابل روابط وی با زیست‌بوم براساس نگرش توحیدی به هستی، عملکرد بشر را نسبت به طبیعت اصلاح و تنظیم می‌نماید که ثمره آن آبادانی و تکامل مادی و معنوی محیط‌زیست و حل بحران‌های آن خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: محیط‌زیست، الهیات، آیت‌الله جوادی آملی، جهان‌بینی.

بحران فراگیر زیست‌محیطی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر در دنیای معاصر به‌شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که توجه بیشتر اندیشمندان را به ساحات تأثیرگذار آن معطوف نموده است.

محیط‌زیست که سکونتگاه موجودات و بستر تکامل جسمی - روحی آنان است، به نوعی ضامن آسایش، بقا، امنیت، سلامت و استكمال مادی و معنوی بشر و نسل‌های آتی وی نیز هست (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۷-۲۸). رد پای توجه به زیست‌بوم، اعتقاد به شعورمندی طبیعت، احترام و تقدیس آن را در اقوام بدوی و آیین‌های گوناگون پیشاتاریخی می‌توان مشاهده نمود (هیوم، ۱۹۵۹، ص ۵۸). از سوی دیگر، ادیان آسمانی در تعالیم خود، خلقت را منظومه‌ای متصل به حقیقتی الهی می‌دانند که خاستگاه آدمی منشأ طبیعت و غایت آنان است (نصر، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

در دوران علمی - صنعتی و تحولات نوین، تحت تأثیر نگرش‌های فکری - فلسفی مدرنیته، از جمله اومانیزم، سکولاریسم و علم‌گرایی افراطی و ظهور فن، دیدگاه قدسی به طبیعت به نگاهی ابزارگرایانه و سودمدارانه تقلیل یافته است (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص ۳۳-۵۳). حاصل چنین رویکردی علاوه بر بهره‌وری بی‌رویه از طبیعت و تصرف غیراصولی در آن، با فرایندهای تخریبی زیستی همراه بوده است. افزایش آلاینده‌های مخرب گرمایش زمین و تخریب لایه ازن را در پی داشته است، و با نابودی زیست‌بوم (اکوسیستم) و آلودگی آب و هوا، تنوع زیستی و گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض نابودی است (بحران محیط‌زیست، مرجع آنلاین آکسفورد).

الهیات محیط‌زیست حاصل مطالعات و کاوش‌های الهی‌دانان و متفکرانی است که تلاش نموده‌اند راهکارهای معرفتی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست و حل چالش‌های آن ارائه دهند. متکلمان و صاحب‌نظران مسیحی با ارائه الگوهای الهیاتی، و اندیشمندان مسلمان نیز با بهره‌گیری از مبانی و آموزه‌های اسلامی در این مسیر گام برداشته‌اند. پژوهش حاضر درصدد بررسی چگونگی تأثیر جهان‌بینی اسلامی بر محیط‌زیست و کارکرد الهیاتی آن در حل بحران‌ها از نگاه آیت‌الله جوادی آملی است. از نوآوری‌های ایشان جایگزینی عنوان «خلقت» به جای «طبیعت» است. ایشان با واکاوی ریشه‌های بحران، نگرش مادی‌گرایانه و انسان‌مدارانه به جهان هستی را انحراف اصلی بشر معاصر دانسته و جهان‌بینی توحیدی را برای درک جایگاه حقیقی انسان و تعامل مطلوب آدمی با آن ضروری شمرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ت، ص ۱۳۰). نگرش ایشان بر مبانی فلسفی و کلامی، شامل نظام احسن، حکمت باری‌تعالی و مقام خلیفه‌اللهی انسان مبتنی بوده و تبیین نسبت متوازن میان وی و طبیعت به‌مثابه صنع الهی، مبنای ارائه نظام هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی الهیاتی است که می‌تواند به برون‌رفت از بحران مدد رساند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۹-۲۴). علاوه بر این، توجه به آثار و ثمرات مادی و معنوی طبیعت و کارکرد آن در سلامت و رشد معرفتی، عقلانی و روحی انسان، از لوازم و نتایج نگاه آیت‌الله جوادی آملی در اصلاح و تنظیم تعاملات زیست‌محیطی بشر به‌شمار می‌رود.

۱. ویژگی‌های دوران مدرن و نسبت آن با بحران‌های زیست‌محیطی

عصر جدید تحت تأثیر جنبش‌های فکری و انقلاب‌های علمی - فرهنگی، دگرگونی‌ها و تحولات شگرف الهیاتی، متافیزیکی و فناوریانه را به دنبال داشت که مجموعه این تغییرات و تحولات بر زندگی مادی و معنوی انسان معاصر در ابعاد نظری و عملی تأثیر گذاشت. از جمله، مناسبات میان انسان و طبیعت را دچار دگرگونی نمود که بحران‌های زیست‌محیطی بخشی از فرایند مذکور و نتایج و الزامات آن به‌شمار می‌رود. ویژگی‌های برجسته نوگرایی (مدرنیته) را می‌توان در نکات ذیل خلاصه نمود:

۱. از پیامدهای توجه افراطی به «علم» و انحصار آن در تجربه و حس، تهی‌شدن دانش از معنا و مفهوم قدسی و دوری آن از الهیات بود، تا آنجا که برخی از اندیشمندان را بر آن داشت تعریف «علم» را با تحصیل و مهار طبیعت همسان تلقی نمایند؛ به‌گونه‌ای که غایت معرفت، سلطه هرچه بیشتر انسان بر زیست‌بوم و تصرف بی‌رویه در آن تبیین گردید (بیکن، ۲۰۰۰، ص ۱۰۲-۱۶۹).

۲. فناوری به‌مثابه ماهیت جهان معاصر، علاوه بر ارائه ابزارهای نوین و پیشرفت ماشین‌آلات صنعتی، با نگاه انسان‌مدارانه به فناوری همراه گردید که از لوازم آن، تغییر نگرش به عالم و غلبه تفکر ابزارگرایانه به طبیعت بود. همچنین با شیفتگی و اسارت انسان معاصر به ابزارهای نوین و تعامل غیراخلاقی وی با طبیعت در جهت اهداف منفعت‌طلبانه، زیست‌بوم به‌مثابه منبع ذخیره انرژی تلقی گردید که بهره‌برداری حداکثری محیط‌زیست و تخریب شگرف فیزیکی و معنوی آن را در دو قرن اخیر در پی داشت (هایدگر، ۱۹۷۷، ص ۱۰).

۳. باور به اصالت عقل و تأکید بر عقل خودبنیاد به‌مثابه یگانه مرجع نیل به حقیقت و استقلال و محوریت آن در تمام امور نظری و عملی، دیگر ویژگی دنیای جدید بود. عقل محوری مبتنی بر نفی جهان‌بینی الهی، تمام جنبه‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی بشر امروزی را بازسازی نمود. علاوه بر این، حیات و کارایی معارف و حیانی و مبانی متافیزیکی در مناسبت با عقل نوین و خرد، جزئی و ابزاری ارزیابی شد که نگرش کمی به هستی و محاسبه‌پذیر کردن طبیعت از پیامدهای آن بود (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص ۴۴-۴۶).

۴. دیدگاه انسان‌گرایانه از بنیادی‌ترین شالوده‌های تفکر جدید غرب و مهم‌ترین شاخصه تأثیرگذار بر تمام شئون دوران نوین است. در این دوره، با جایگزینی انسان‌محوری به‌جای خدامحوری، آدمی در جایگاه محوری عالم قرار گرفت و تمام ارزش‌ها، روابط و حقایق در نسبت با او تبیین گردید (آباگانو، ۱۹۷۲، ص ۶۹-۷۰). برنامه‌ریزی برای سلطه بر جهان و مالکیت بر هستی، ظهور سودگرایی و لذت‌گرایی حاصل چنین نگرشی بود. انسان جدید با نگاه کاملاً ابزاری و محاسبه‌گرایانه، تعامل با طبیعت را در جهت لذات مادی و جسمانی و اهداف سلطه‌جویانه خود سامان بخشید که تخریب و تصرف بی‌رویه در محیط‌زیست از پیامدهای آن بود (نصر، ۱۳۸۶، ص ۳۴۵-۳۴۶).

۵. عرفی‌گری (سکولاریسم) را می‌توان بنیاد تفکر انسان‌محوری دانست که در پی تحولات فکری و فلسفی تجدیدطلبان (مدرنیسم) شکل گرفت. این نگرش مبتنی بر اعتقاد به اصالت امور دنیوی و حذف آخرت‌گرایی است که براساس آن به مادیات از زوایای مستقل از امور ماورای طبیعی نگاه می‌شود. علاوه بر این با ابطال دین و تنزل

ارزش آن در حد خرافه و افسانه، یا تحدید قلمرو امور قدسی به مسائل فردی و اخلاقی به بهانه مخدوش شدن چهره متعالی و مطهر آن، کارکردهای اجتماعی دین به حاشیه رانده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص ۶۶-۶۷). بشر امروزی با فاصله گرفتن از ارزش‌های دینی و نگرش مادی به خلقت و نظام آفرینش، طبیعت و مظاهر طبیعی را در جهت مطامع دنیوی خود تسخیر نموده که بحران‌های زیست‌محیطی عصر حاضر را در پی داشته است.

از نظر آیت‌الله جوادی، علم‌زدگی و عقل‌گرایی بشر متمدن در بستر مکتب انسان‌مداری، زمینه‌های تکوین تفکر عرفی‌نگری را فراهم ساخت (همان، ص ۳۳-۵۳). چنین رویکردی به نفی باور به مبدأ متعالی انجامید که انسان امروزی را فارغ از هرگونه دیدگاه قدسی به عالم و احساس تعهد نسبت به اجزای آن، با نگرش از دریچه نفسانیات، به بهره‌برداری حداکثری و لجام‌گسیخته از طبیعت سوق داد. نقد تحولات و اندیشه‌های مذکور در نگاه الهیاتی ایشان بررسی شده است.

الهیات محیط زیست

الهیات زیست‌محیطی برای بهره‌گیری از ظرفیت دین، در حفاظت و حمایت از محیط‌زیست و تبیین و توجیه نظام‌مند جایگاه آن در جهان هستی شکل گرفته است. از این‌رو، ضمن ایفای نقش کلامی در پاسخ به شبهات نوین، درصدد است با استفاده از سنن و منابع دینی و الگوهای الهیاتی، با تبیین نسبت میان خداوند و جهان هستی و تحلیل نقش و رابطه انسان با طبیعت، به ریشه‌یابی و چاره‌جویی بحران زیست‌محیطی پردازد (صالح و حسنی، ۱۳۹۶).

ادیان الهی بر استفاده از ظرفیت دین در تغییر جهان‌بینی انسان بر مبنای نظام توحیدی تأکید کرده و به فراخور مبانی و تعالیم آسمانی خود، الگوهای الهیاتی برای مقابله با بحران محیط‌زیست ارائه داده‌اند.

برخی از الهی‌دانان و متکلمان مسیحی با تدوین آثار و انتشار مقالات، بر رابطه نظام‌مند میان انسان و طبیعت بر مبنای جهان‌بینی توحیدی تأکید نموده و نگاه ابزاری به زیست‌بوم را محکوم کردند. همچنین ملکوت خداوند را شامل انسان و طبیعت دانسته‌اند که محیط‌زیست سالم انعکاسی از تحقق ملکوت و وعده الهی شمرده می‌شود (نصر، ۱۳۸۶، ص ۳۷۲-۳۷۳). دیدگاه دین یهود در حل بحران محیط‌زیست براساس تعالیم و منابع دینی آن، از یک‌سو، مبتنی بر اتخاذ بینشی قدسی به کائنات و از سوی دیگر، تدوین اخلاقیاتی است که بر قربت و انس بشر با عالم طبیعت تأکید دارد و مسؤولیت‌های انسان را در جهت حفظ کره خاکی و تأمین عدالت اجتماعی تبیین می‌نماید (انصاری و لاجوردی، ۱۳۹۱).

مبانی الهیات زیست‌محیطی آیت‌الله جوادی آملی

۱. نظام احسن و حکمت باری تعالی

نظریه «نظام احسن» از مبانی مهم جهان‌شناسی فلسفی، کلامی و عرفانی به‌شمار می‌رود. براساس آن، جهان آفرینش به بهترین وجه در سایه حکمت و تدبیر الهی و در پرتو رحمت، قدرت و عنایت حق تکوین یافته،

به‌گونه‌ای که مجموعه خلقت با زیبایی، نظم و هماهنگی اجزای آن، حقیقتی واحد است که با نیکوترین نظام و محکم‌ترین انسجام رو به سوی غایتی متعالی دارد. در هستی‌شناسی آیت‌الله جوادی آملی، نظام احسن براساس عشق ذاتی الهی، عنایت و علم خداوند به هستی، وحدت و اتقان نظام خلقت، خیر ذاتی حق و سریان رحمت مطلق الهی در عالم تبیین و اثبات گردیده است. براساس آن، جهان نظام‌مند آفرینش در نهایت حسن و جمال است و قداست، شعور، حیات و غایت دار بودن کائنات از ثمرات آن به‌شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۰۳-۶۳۹).

در نگرش عرفانی آیت‌الله جوادی آملی، تمام عالم جلوه حق به‌شمار می‌رود و حقایق متعدد آفرینش، تجلیات آن حقیقت واحد به‌شمار می‌رود که در غایت حسن و کمال سرشته شده است. براین‌اساس، عالم مظهر و تجلی کمالات ذاتی حق است و پدیده‌های خلقت، ظهور اسماء و صفات فعل او در آفرینش محسوب می‌شوند (همان، ص ۶۰۵-۶۰۶) که ضمن برخورداری از قداست، خیر و تعالی ذاتی، شر و نقصان در آنها راه نداشته (ابن عربی، ۱۹۹۴، ج ۹، ص ۴۲۲)، غایت و کمالی متعالی دارد.

براساس مبانی حکمت متعالیه، از جمله «اصالت و تشکیک وجود»، سلسله پیوسته و نظام‌مند هستی حقیقت واحد ذومراتبی است که از مبدأ فیض الهی و ذات جامع کمالات وجودی صادر شده و در حدوث، بقا و انسجام خود، وابستگی تام به او دارد. در چنین نگرشی، ضمن ارتباط طولی عوالم آفرینش، با استقرار مخلوقات در مراتب وجودی و اتصال عینی و تکوینی آنها با یکدیگر، هر فعل و انفعالی کلیت نظام خلقت را متأثر می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۲۰-۶۲۱). آیت‌الله جوادی آملی با استناد به «توقیفی بودن اسماء» (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۳۳-۲۳۴) و «نظام علی و معلولی»، اتقان و استحکام نظام آفرینش را تبیین و اثبات نموده است؛ به‌گونه‌ای که حقایق عالم با احکام، حدود و آثار ویژه خود در مرتبه معین هستی قرار گرفته و نسبت به مقام خود، ثابت و پایدارند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۳۳). در چنین نظامی، طبیعت علاوه بر جایگاه معین و مشخص خود، آثار، صفات و ارتباط ویژه‌ای با منظومه جامع خلقت دارد. آیت‌الله جوادی آملی در هستی‌شناسی توحیدی براساس اصول و مبانی فوق، ضمن جایگزینی خلقت با طبیعت، محیط‌زیست را رقیقه آن وجود حقیقی (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۱۷۸) و تجلیگاه اسماء و صفات حسنا‌ی باری دانسته که در سیر نزولی عوالم وجودی تحقق یافته است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، الف، ص ۳۲۳-۳۲۴). ایشان محیط‌زیست و حقایق آن را مظاهر رحمت الهی، جلوه جمال حق و نشانه‌های الهی می‌داند (جائیه: ۳ و ۴) که به سبب ارتباط وثیق با حق تعالی، از قداست و تعالی وجودی برخوردار است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۰۸). علاوه بر این، حقایق طبیعی براساس طرح‌ریزی و تقدیر مشخص و متناسب با قوا و استعدادهای گوناگون آفریده شده‌اند و با کارکرد خاص خود، با یکدیگر ارتباط و تعامل دارند. به‌عبارت دیگر، با سریان قوانین و سنن ثابت الهی در عالم طبیعت، مجموعه‌ای متوازن، متفن و نظام‌مند تحقق یافته است که هیچ‌گونه خلل و خطایی در آن راه ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، الف، ص ۳۳۹-۳۴۱). ایشان زیست‌بوم و پدیده‌های آن

را ابداع مدبری حکیم می‌داند که در پرتو علم، عنایت (ر.ک: صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۵۷) و قدرت ربانی به بهترین و کامل‌ترین وجوه صنع، فیض وجود یافته (همان) و ضمن بهره‌مندی از ادراک و حیات، در سیر استکمالی خود به سوی ذات اقدس خداوند در حرکت است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۳۰-۱۳۱). از این‌رو، مجموعه باشکوه و نظام‌مند طبیعت، نعمتی از نعیم کبریایی و ثمره علم، قدرت بیکران، فیض و حیات سرمدی است که اثر او جز نظام احسن نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف، ص ۳۷).

۲. مقام خلیفه‌اللهی انسان

با توجه به نقش محوری انسان در تحولات نظام خلقت و طبیعت، بررسی جایگاه هستی‌شناختی وی، رکن اصلی مبانی انسان‌شناسی دینی و فلسفی محسوب می‌گردد و تبیین مقام و نقش خلیفه‌الله در نظام احسن و بررسی نسبت آن با طبیعت، از اصول مهم الهیات زیست‌محیطی به‌شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که نحوه تعامل انسان و طبیعت و مسئولیت‌های وی در سلامت و حفظ محیط‌زیست، بر آن مبتنی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۵).

در نگاه معرفت‌شناختی بسیاری از اندیشمندان، انسان به سبب جامعیت و تعدد ساحات وجودی، قابلیت ادراک همه شئون هستی و سیر از عالم طبیعت تا مرتبه الوهیت را دارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۹۸)؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر وجوه ملکی، جسمانی و طبیعی، ابعاد ملکوتی و الهی را داراست. همچنین واجد قوای نفس ناطقه و عاقله و از اراده و اختیار برخوردار است. بر این اساس، در سیر تکوینی و استکمالی عوالم ماده تا ملکوت و صیوروت وجودی، کمالات بالقوه‌اش را متناظر با نیازهای وجودی به فعلیت می‌رساند و با کسب مراتب حیات انسانی، به مقام وحدت عقلی نایل می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۴ ب، ص ۱۶۸-۱۷۳).

خداوند سبحان نوع بشر را به سبب عظمت وجودی و اتصال به منبع علم الهی، به شرافت ذاتی مزین نموده و با افاضه روح الهی به مقام رفیع خلیفه‌اللهی منسوب گردانیده است. از نظر استاد، حقیقت انسان با آفرینشی ویژه سرشته شده و تأله و حیات الهی مقوم هویت وی محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ج، ص ۲۱۶-۲۱۸)؛ به‌گونه‌ای که بینش شهودی نسبت به مدبر عالم و گرایش و حب آگاهانه به او در متن خلقت وی پیریزی شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۴ ب، ص ۲۶-۲۷). بر این اساس، هرگاه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های وجودی در مسیر صلاح و ثواب گام بردارد، به کمال معرفت و قرب الهی نائل گشته، از این رهگذر، مسجود ملائک و خلیفه خداوند می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ج، ص ۳، ص ۴۰). بنابراین، مقام خلیفه‌اللهی ضمن دلالت بر جامعیت فضایل و کمالات انسان نسبت به سایر مخلوقات، از جانشینی حق تعالی در «تمام شئون وجودی، آثار، احکام و تدابیر» (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۱۱۵) عالم هستی حکایت می‌کند که آیه «تبارک الله احسن الخالقین» (مؤمنون: ۱۴) تلمیح به این معناست.

در الهیات زیست‌محیطی آیت‌الله جوادی آملی، نظریه «خلیفه‌اللهی» علاوه بر تفسیر ارزش و جایگاه هستی‌شناختی انسان در عالم و تعیین روابط میان مبدأ و معاد، ارتباطات و تعاملات وی با سایر مراتب هستی و

مخلوقات را تبیین می‌نماید؛ به‌گونه‌ای که نقش محوری خلیفه‌الله را در ابعاد نظری و عملی حیات انسانی، قابلیت‌ها و کارکردهای وی در عرصه حیات فردی و اجتماعی و نتایج مترتب بر آن را در خلقت و طبیعت آشکار می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۷۷). براین اساس، ایشان تسلط خلیفه‌الله بر نظام آفرینش به اذن الهی را از شئون عملی خلافت وی می‌داند که ضمانت علمی، اجرایی و معنوی انسان در بهره‌وری و تسخیر طبیعت، مبتنی بر آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۱). درون مایه چنین نگرشی تصرف حکیمانه و تدبیر خردمندانه زیست‌بوم با توجه به مصالح عالی نظام هستی و بشر است که آدمی را در مقام امین و وکیل خداوند، نسبت به پرورش قوا و انتظام اجزای خلقت، بهره‌برداری بهینه از مواهب طبیعت و حفاظت محیط‌زیست متعهد و مسئولیت‌پذیر می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۴۴۰) و دامنه رفتارهای اخلاقی انسان را در تعامل با زیست‌بوم افزایش می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، الف، ص ۲۸-۲۷). علاوه بر این، آثار حیات طیبه و متعالی چنین جایگاهی در خلقت، تدبیر فراگیر جهان و احاطه قیومی بر مخلوقات را شامل می‌شود، تا آنجا که تصرف تکوینی و تشریحی در آفرینش، فیض بخشی به عالم، و هدایت موجودات به سوی غایات خلقت از لوازم آن به‌شمار می‌رود که ثمرات آن را می‌توان در اداره و احیای زمین مشاهده نمود (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۴۷).

بدین‌روی به تصریح آیت‌الله جوادی آملی، «فرهنگ زیست‌محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، الف، ص ۱۹۷). براین اساس، خلیفه خداوند در پرتو حیات متألّهانه، با هماهنگی و اعتدال قوای نفسانی و سازگار نمودن افعال خود در جهت تعادل و کمال طبیعت (جوادی آملی، ۱۳۸۸، الف، ص ۷۳-۷۴). علاوه بر حفاظت زیست‌بوم و رونق آن، به تعالی وجودی در سایه ارتقای سلامت جسمانی و روانی ناقل می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۸۹، الف، ص ۱۹۷).

به اجمال، نظریه «خلیفة‌اللهی» نقش انسان را در ارتباط با طبیعت و زمین در موضوعات ذیل تعریف می‌نماید:

۱. نگرش متعادل و نظام‌مند به عالم‌هستی و طبیعت و تدبیر جامع آن؛
۲. مسئولیت‌پذیری نسبت به حفاظت و آبادانی زیست‌بوم و تعامل با آن؛
۳. توانایی در مدیریت بحران‌ها و اصلاح ساختارها؛
۴. عدالت‌محوری در تنظیم روابط با عالم طبیعت مبتنی بر مبانی الهیاتی توسعه پایدار.

نظریه خلقت؛ جایگاه ویژه طبیعت در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی

از نظر آیت‌الله جوادی آملی، بشر امروزی مبتنی بر فلسفه الحادی غرب، نظام هستی را مجموعه‌ای فاقد حیات و منفصل از مبدأ و معاد ارزیابی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳۵). در این نگاه، عنوان «طبیعت» با تنزل ارزش و جایگاه الهیاتی آن در خلقت همراه گشته است؛ به‌گونه‌ای که ضمن غفلت از پیوند طولی نظام خلقت با مبدأ هستی، سیر تحولات و تطورات مظاهر طبیعی به صورت عرضی، در محدوده نظام داخلی آن و در بستر زمان، حرکت، ماده و نظایر آن بررسی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳۵؛ همو، ۱۳۸۸، الف، ص ۱۲۹). علاوه بر

این، با نگرش ابزاری و سلطه‌جویانه به طبیعت، آن را وسیله‌ای در جهت توسعه رفاه مادی و رونق اقتصادی قلمداد نموده، در جهت اهداف منفعت‌طلبانه به خدمت می‌گیرد. ایشان در نقد و بررسی دیدگاه فوق، نظریه «خلقت» را ارائه نموده و با تبدیل جریان «طبیعت» به عنوان «خلقت» و فعل الهی، درصدد اصلاح نگرش انسان معاصر به محیط‌زیست و تبدیل آن به جایگاه ذاتی و منظم طبیعت در جهان آفرینش برآمده‌اند.

در آموزه‌های اسلامی، مبتنی بر نظام احسن الهی، عالم طبیعت گستره حیات انسان و سایر موجودات به‌شمار می‌رود که در فعلیت‌بخشی به غایت خلقت مؤثر است؛ به‌گونه‌ای که حقایق طبیعی افعال الهی‌اند که ضمن اتصال وجودی با حق تعالی و ارتباط با انسان و عالم هستی، از مبدأ فیض و اسماء الهی نشئت گرفته و به آن منتهی می‌گردند. براین اساس، شعورمند، تسلیم و تسبیح‌گوی ذات اقدس الهی و از هدفمندی خاص و عام برخوردارند. بنابراین، جایگاه طبیعت در سلسله‌مراتب نظام خلقت از ارکان غایت‌مندی جهان آفرینش به‌شمار می‌رود و از قداست و ارزشمندی ذاتی برخوردار است. بدین‌روی، تخریب و تضييع مواهب طبیعی یا اختلال در شبکه زیست‌بوم‌ها، حیات زیست‌بوم و چرخه هستی را به مخاطره می‌اندازد که غفلت از جایگاه و غایت طبیعت در نظام آفرینش، کفران نعمت الهی و تهدید کل عالم محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۷۳۸-۷۳۷؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۹۵).

بنابراین، نظریه «خلقت» ضمن تبیین جایگاه ارزشمند طبیعت در جهان هستی، بر سایر قلمروهای جهان آفرینش سایه می‌اندازد و با مبانی توحیدی وابسته است. عنوان «خلقت» مقوم هویت زمین و موجودات محسوب می‌شود که شناخت آن بدون معرفت خالق‌ی مدیر و حکیم امکان‌پذیر نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰).

از این‌رو، سیاست‌ها و راهبردهای نظری و عملی قرآن و عترت علیهم‌السلام در جهت حفاظت و آبادانی محیط‌زیست، براساس جایگاه ارزشمند طبیعت در جهان خلقت شکل گرفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، الف، ص ۴۶). همچنین توجه به الهیات زیست‌محیطی و ظرایف آن در جهت حل بحران ضرورت دارد که با ایجاد پیوند معرفتی میان جهان‌بینی الهی و تفسیر صحیح از زیست‌بوم، قلمروها و ارتباطات آن مبتنی بر اصول زیست‌محیطی حیات انسانی تبیین شده و مسئولیت‌های آدمی نسبت به اداره و حفاظت محیط‌زیست معین می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، الف، ص ۱۹۷).

آثار و ثمرات طبیعت در خلقت

براساس مباحث پیشین، «طبیعت» از جایگاه و حکمت خاص و عام برخوردار است. بدین‌روی، از آثار، ثمرات و غایات متعددی نیز در مجموعه خلقت بهره‌مند است؛ چنان‌که علاوه بر تأمین نیازهای جسمی و روحی آدمی، بر هندسه معرفتی، شکل‌گیری شخصیت و رفتار و نوع تعاملات و ارتباطات وی با مخلوقات تأثیرگذار است. در نظام الهیات زیست‌محیطی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی و دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، طبیعت از کارکردهای مادی، معنوی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی در نظام آفرینش برخوردار است. براین اساس، تأمین اصول زیست‌محیطی،

حفاظت زیست‌بوم و پرهیز از تخریب و آلودگی آن، از حقوق طبیعت بر آدمی و تکالیف انسانی محسوب می‌شود که با حیات فرد و جامعه پیوند دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۸۴).

الف) کارکردهای طبیعت در سلامت مادی

طبیعت مبدأ مراحل تکوین و رشد مخلوقات و شرط لازم زیست مادی و تکامل آنها محسوب می‌شود و با فقدان یا اختلال در زیست‌بوم، حیات و بقای موجودات و به‌ویژه انسان دچار تحول و آسیب‌های فراوانی می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۶، ص ۱۹۵). براین اساس، پرورش ابعاد جسمی و روحی آدمی و تداوم حیات فردی و اجتماعی بشر و نسل‌های آتی او، مستلزم فراهم‌شدن اسباب معیشت مادی و سلامت مجموعه محیط‌زیست است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۵۱-۲۵۲). در آموزه‌های دینی، جسم مرکب روح و ابزار تدبیر نفس به‌شمار می‌رود و تقویت و تجهیز قوای جسمانی و روانی در تعامل با پدیده‌های طبیعت، نقش اساسی در تربیت عقلانی و معنوی آدمی و تعالی وجودی وی ایفا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ب، ص ۴۰).

عناصر زیست‌محیطی شامل آب، هوا و خاک، از مؤثرترین عوامل ساختاری زمین و چرخه زیستی پیوسته‌ای از منابع طبیعت به‌شمار می‌رود که حیات و بقای موجودات از آنها متأثر است. آب و خاک سرچشمه آفرینش و هستی انسان و موجودات زنده (انبیاء: ۳۰؛ حجر: ۲۶) و مبدأ تغذیه و رشد آنها (نحل: ۱۱؛ یونس: ۲۴) محسوب می‌شود و صفا و پاکیزگی طبیعت از آن نشئت می‌گیرد. با تطهیر آلودگی‌های جسمانی و محیطی، تجزیه فضولات و پسماندهای محیط‌زیست و حفظ و توسعه پوشش گیاهی آن، در سلامت و تعادل مجموعه زیست‌بوم نقش اساسی ایفا می‌کند (لال، ۲۰۱۵، ص ۵۸۷۸).

نصوص دینی، با اشاره به اثرات آب و خاک در نظافت بدن و دفع امراض جسمانی (انفال: ۱۱؛ نساء: ۴۳)، نقش باران را در آراستگی و تطهیر طبیعت و احیای فضای سبز (نحل: ۶۵؛ حجر: ۲۲؛ طه: ۵۳)، و تأثیر خاک را در ذخیره و تصفیه منابع آبی، پرورش موجودات (ق: ۷) و نابودی آلودگی‌های اقلیمی مهم و اساسی ارزیابی می‌نماید (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۱، بخش پنجم). همچنین نور آفتاب علاوه بر نقش پاک‌کنندگی و حیات‌بخشی به زمین و موجودات، از محرک‌های تأثیرگذار بر جسم و روان و فعالیت‌های حیاتی آدمی محسوب می‌شود. علاوه بر این، بادها و نسیم‌های فصلی از جمله پدیده‌های طبیعی مؤثر در باروری گیاهان و احیای زمین به‌شمار می‌روند و بر پرمردگی یا طراوت روح و جسم آدمی نیز تأثیرگذارند. بنابراین، صفات و ویژگی‌های جسمی و روحی، کیفیت زندگی، تغذیه و نحوه عملکرد حیاتی موجودات و به‌ویژه انسان و نوع رفتار و خلیقات آدمی از تغییرات جوی و تنوع اقلیمی متأثرند (غیاث و شرقی، ۱۳۹۷).

با توجه به چالش‌های زیست‌محیطی عصر حاضر، به‌ویژه خشکسالی و «بحران آب و هوا»، بررسی نقش آلاینده‌ها در ایجاد تغییرات و نوسانات ناگوار محیطی و جوی و تأثیر آن بر آلودگی زیست‌بوم‌ها و چرخه عناصر طبیعی حائز اهمیت است (اسچلسر و دیگران، ۲۰۱۴، ص ۳۴۱-۳۶۱).

فرهنگ جامع قرآن و سنت، عناصر محوری زمین را از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی معرفی و به نقش آنها در حفظ حیات و سلامت انسان و موجودات توجه نموده است. از این رهگذر، پویایی و نشاط زندگی را در بهره‌مندی از هوای پاکیزه، آب گوارای فراوان و زمین حاصلخیز می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۷۳-۲۷۴؛ فرقان: ۴۸؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۲۰). همچنین اهتمام به سلامت محیط‌زیست و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی، بررسی چگونگی پالایش و تصفیه آب و هوا و ارزیابی راهکارهای احیا، تسطیح، کویرزدایی و صیانت زمین را از وظایف انسانی و دینی قلمداد نموده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۷۰۶).

طبیعت منشأ بسیاری از نیازهای اولیه و بنیادین انسان محسوب می‌شود که در پرورش و تربیت مادی و معنوی انسان نقش اساسی ایفا می‌کند. زمین و سکونت‌گاه قرارگاه آدمی جایگاه رشد، بلوغ و ثمردهی انسان، محل تأمین نیازهای زیستی و کسب آسایش جسمانی و روانی وی محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ج، ص ۶۳). آموزه‌های قرآنی استقرار بشر در زمین و سکناگزیدن آدمی را از نشانه‌های حکمت و تدبیر خداوند در آفرینش معرفی نموده (رعد: ۳)، آرامش و امنیت وی را وابسته به آن می‌داند (نحل: ۸۰)؛ در الیهات زیست‌محیطی پرورش و کمال ابعاد وجودی، ارضای عواطف، احساسات، غرایز و تحکیم روابط انسانی از کارکردهای مسکن به‌شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۳۶؛ همو، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۷۱۷؛ نیز ر.ک: کشفی و همکاران، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، تنوع زیست‌بوم‌ها و تحولات جوی، با توجه به شرایط اقلیمی و پستی و بلندی‌های زمین - از جمله کوهستانی، جزیره‌ای یا کویری بودن مناطق آن - متغیر بوده و بر قوای بدنی، صفات جسمانی و روانی، خلیات و نوع رفتار انسان مؤثر است.

براین اساس، در نصوص اسلامی، علاوه بر شرایط فیزیکی، ضوابط و شاخصه‌های مؤثر جغرافیایی و محیطی در ساخت بنا و معماری مسکن بررسی شده و ارزش‌های اعتقادی و فرهنگی تأثیرگذار بر ویژگی‌ها و کیفیت آن تشریح شده است (غیاث و شرقی، ۱۳۹۷). با توجه به عوامل مذکور، بهره‌برداری خردمندانه از زمین و منابع طبیعی در جهت تأمین مکان و مسکن مناسب و سازگار با زندگی، علاوه بر اعتدال و بهبود طبیعت و ارتقای کیفیت زیست بشر، نقش مؤثری در احیا، اداره و آبادسازی محیط زیست ایفا خواهد نمود (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳).

زیست‌بوم مبدأ و رکن اساسی تغذیه و رشد و نمو موجودات زنده به‌شمار می‌رود که حیات و بقای آنها و پرورش و تکامل ابعاد وجودی و شخصیتی آدمی با آن ارتباط دارد صحت و راحتی بدن، مصون ماندن آن از بیماری‌ها و ابتلائات جسمانی و آرامش و تعادل رفتاری و روانی وی وابسته به تغذیه سالم است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۵۱۳؛ همو، ۱۳۸۸ ج، ص ۷۱-۷۲). در این میان، آب، مایه حیات (انبیاء: ۳۰) و مهم‌ترین منبع غذایی طبیعت به‌شمار می‌رود (نحل: ۱۰) که قسمت عمده ساختار بدن موجودات را تشکیل داده و بر فعالیت‌های اندام‌های داخلی، تنظیم حرارت، دفع سموم و بیماری‌های بدن مؤثر است (مان و تراسول، ۲۰۰۲، ص ۱۱۳-۱۱۹). همچنین برخی مواد مغذی، به‌ویژه ویتامین‌ها، مواد معدنی و پروتئین‌ها در رشد و نمو، هماهنگی و

حفاظت اعضا و ایمنی و سلامت بدن نقش دارند (همان، ص ۷۷-۵۵ و ۱۲۰-۲۵۸). تأثیر محیط‌زیست بر تغذیه و نسبت آن با سلامت و حیات آدمی تا آنجاست که به سبب چالش‌های زیست‌محیطی، کاهش دسترسی به منابع طبیعی، آبی و غذایی و تهدید امنیت تغذیه، عمده جنگ‌های آبی و بحران‌های اجتماعی از آن نشئت می‌گیرد (اسچلر و دیگران، ۲۰۱۴، ص ۳۴۱-۳۶۱).

نصوص دینی بر ضرورت اهتمام به حفاظت منابع غذایی تأکید کرده و رهنمودهای مؤثری در رابطه با سلامت مادی و معنوی تغذیه ارائه نموده و علاوه بر توجه به ماهیت کیفی و کمی تغذیه، بهداشت و آداب آن، تأثیرات ویژه مواد غذایی در رشد اعضای بدن، پرورش قوای جسمی و روحی و خواص درمانی آنها را تشریح نموده و رابطه رژیم غذایی با مزاج و طبایع آدمی و نقش آنها را بر ابعاد شناختی، خلقی و رفتاری انسان تبیین نموده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹-۱۵۶).

محیط‌زیست منبع مهم و اساسی پوشاک انسان محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۱) که با توجه به کارکردهای مادی و معنوی آن در حیات، سبک زندگی و تمدن بشری، بررسی رابطه زیست‌بوم با پوشش انسانی و تأثیر آن بر صحت و امنیت جسمانی و روانی آدمی حائز اهمیت است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۴۶۰-۴۶۱). میزان سازگاری جنس و رنگ پوشاک با طبیعت و بدن، علاوه بر تأثیرگذاری بر سلامتی و نشاط انسان، در خلیقات، اندیشه و نوع رفتارهای وی مؤثر است و زمینه تکامل شخصیت فردی و اجتماعی آدمی را فراهم می‌سازد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۶۸-۷۰). بنابراین آموزه‌های دینی، علاوه بر توجه به آراستگی ظاهری، اندازه، کیفیت و نوع پوشش، رعایت بهداشت لباس و محیط را در جهت پرورش تن و جان آدمی و بهبود و ارتقای روابط انسانی و اجتماعی مؤثر می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷-۱۶۴؛ نیز ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، باب اللباس).

کارکردهای مادی محیط‌زیست را می‌توان علاوه بر تأمین نیازهای اولیه و ثانویه آدمی، رشد و شکوفایی حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه بشری دانست. براین اساس، طبیعت بستر کار و تلاش انسان و عرصه اشتغال و فعالیت‌های تولیدی وی محسوب می‌شود که با نیازهای مادی، روانی، رفاهی آدمی، ارزش‌های فردی و اجتماعی و معیارهای زیست‌محیطی پیوند دارد. براین اساس، رونق معیشت و رشد اقتصاد و تجارت با سلامت زیست‌بوم و منابع طبیعی مرتبط است و ایجاد قوانین و ضوابط در کار و تولید و تعادل در مصرف، در حفاظت از زیست‌بوم اهمیت مضاعفی می‌یابد. می‌توان ادعا نمود امروزه محیط‌زیست منبع مهم صنعت گردشگری دنیا محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که اختصاص پارک‌های وسیع و طبیعی در اقصا نقاط جهان برای این منظور، علاوه بر شناخت عجایب خلقت و ظرفیت‌های ناشناخته زمین و بهره‌برداری اقتصادی از آن، سهم بسزایی در ایجاد نشاط اجتماعی و ارتقای معرفتی و معنوی جامعه ایفا می‌کند. آموزه‌های قرآنی گستره زمین از اعماق دریاها تا اوج آسمان‌ها را عرصه فعالیت‌های انسانی معرفی نموده، با تأکید بر ضرورت تحرک و پویایی بشر و بهره‌مندی خردمندانه از منافع طبیعت، سستی و بیکاری را آفت و تهدید امنیت و ثبات جامعه به‌شمار می‌آورد. در عرصه کار و تولید،

علاوه بر رشد مادی و آرامش روانی آدمی، عزت، کرامت و استقلال جامعه نیز تأمین می‌گردد و در پرتو آن، بر آبادانی و رونق محیط‌زیست، که منبع مهم تولید و پویایی اقتصاد جامعه است، افزوده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۳۳-۲۶۶).

ب) کارکردهای طبیعت در رشد معرفتی و سلامت عقلانی

یکی از تفاوت‌های معنادار الهیات زیست‌محیطی با دیگر دانش‌های زیست‌بوم، نگاه معرفت‌بخش به طبیعت، ساحات و ابعاد آن در چارچوب نظام احسن الهی است که زمینه‌ساز رشد عقلانی و اخلاقی آدمی محسوب می‌شود. نصوص دینی با اشاره به برخی موارد خاص، بر نگاه عالمانه و مدبرانه به مجموعه نظام خلقت تأکید نموده است. می‌توان ادعا نمود رشد اندیشه و آگاهی آدمی در ارتباط با طبیعت، علاوه بر اصلاح جهان‌بینی و تعمیق روابط معنوی وی با مبدأ هستی، به تنظیم روابط صحیح انسان با خلق، هستی و زیست‌بوم و بهبود مدیریت منابع زیستی می‌انجامد که اداره و آبادانی محیط‌زیست از ثمرات آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۳۲-۱۳۸).

در فرهنگ دینی، سیر آفاقی در عالم و درک قوانین حاکم بر هستی، از اصول اساسی تعالیم الهی در جهت پرورش عقلانی انسان به‌شمار می‌آید مشاهده و تأمل در شگفتی‌ها و اسرار درونی طبیعت و عبرت‌گیری از حقایق آن، توجه به کیفیت خلقت، منافع و فواید پدیده‌های زمین، در جهت تحکیم بنیان‌های اعتقادی و تربیتی انسان نقش اساسی ایفا می‌کند که در ذیل به مهم‌ترین ابعاد آن اشاره می‌شود:

توجه به آثار صنع الهی در خلقت، علم، قدرت و حکمت مدبر هستی را تصویر نموده، نظم، انسجام و هدفمندی مجموعه طبیعت، درک حقیقت قدسی، شعورمندی و ارتباط آن با مبدأ حکمت متعالی، معارف توحیدی و هستی‌شناسی انسان را در جهت تعالی معنوی وی ارتقا می‌دهد. قرآن کریم با اشاره به اختلاف در آفرینش شب و روز، چرخش بادهای، حرکت ابرها، نزول باران، رویش گیاهان و ثمردهی درختان، آیات معرفت در نظام خلقت را تجلی اسماء و صفات خداوند و نشانه‌هایی برای صاحبان اندیشه و خرد معرفی می‌نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۵۹۴-۶۰۸).

معارف دینی در جهت معرفت‌افزایی، رشد، صلاح و تربیت بشر، بهره‌گیری از تمثیل‌های طبیعی را در جهت تبیین ماهیت برخی حقایق عالم هستی و وقایع خیر و شر آن مؤثر می‌داند که با ایجاد تناظری عقلانی میان این امور و پدیده‌های طبیعت، حقایق انتزاعی و معنوی را به موضوعات محسوس و قابل ادراک تشبیه نموده است. قرآن کریم با اشاره به آفرینش بدیع انسان و مخلوقات، کیفیت و مراحل تکوین و رشد آنها، احیای زمین، تحولات طبیعت و سیر آنها به سوی مبدأ هستی، امکان و ضرورت معاد را اثبات و تداعی می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۴، ص ۳۴۴-۳۴۸).

همچنین تبیین ضرورت نبوت و باور به حقانیت پیامبران الهی از دیگر اصول اعتقادی مؤکد خداوند به‌شمار می‌رود که اشاره به نور آفتاب و روشنایی آن، بادهای بشارت‌دهنده و نزول باران در قرآن کریم بر آن دلالت دارد

(طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۲۲۵-۲۲۸). علاوه بر این، ترسیم سیمای حق به آب جاری (رعد: ۱۷) و شجره طیبه، تصویر نمودن هیأت باطل به شجره خبیثه (ابراهیم: ۲۴-۲۶)، همانندسازی ابعاد فریبنده و جلوه‌های زودگذر حیات دنیوی با تحولات ناپایدار زمین (یونس: ۲۴)، از جمله تمثیل‌های قرآنی در جهت تثبیت عقاید، رشد سجایای اخلاقی، تکامل قوای عقلانی و نفسانی و پرورش ابعاد وجودی انسان به‌شمار می‌رود.

ج) کارکردهای طبیعت در سلامت معنوی

سلامت و تعالی معنوی انسان از مهم‌ترین اهداف تربیتی انبیای الهی و از ارکان نصوص وحیانی در الهیات زیست‌محیطی اسلام به‌شمار می‌رود؛ تا آنجا که بخش عمده‌ای از تعالیم فقهی، اخلاقی، عرفانی و عبادات به تقویت و تأمین این رکن اختصاص یافته است. معنا و معنویت شالوده اصلی غالب بینش‌ها، گرایش‌ها، اعتقادات و اخلاقیاتی است که در الهیات اسلامی بر آنها تأکید شده است؛ حیات متألّهانه آدمی، سیر مراحل خودسازی، پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی و تضمین سلامت جسمی، روحی و اجتماعی بشر مبتنی بر آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۴ب، ص ۴۰-۴۷). بدین‌سان، فقدان معنا و معنویت، پویایی و نشاط مادی و معنوی انسان و سایر شئون و ساحات زندگی بشر را به چالش خواهد کشید. چون در ادبیات دینی معنویت در حقیقت و باطن عمل نهفته و با نظام اعتقادی و اهداف یک رفتار خاص ارتباط دارد. در بیان قرآنی، آیات الهی و نشانه‌های آن در طبیعت تجلی مبدأ هستی و گستره‌ای بالنده برای کسب و ارتقای سلامت معنوی بشر محسوب می‌شود (فصلت: ۱۱؛ رعد: ۱۵؛ آل عمران: ۱۰۹؛ یونس: ۵۶؛ مریم: ۴۰؛ بقره: ۲۸۱؛ فصلت: ۱۵۳).

در الهیات زیست‌محیطی، نگرش معنادار به طبیعت، تفسیر و بهره‌برداری معنوی از آن، در رشد، کمال و تعالی انسان نقش مؤثری ایفا می‌کند. ارتباط با حقایق معنوی زیست‌بوم، علاوه بر پرورش قوای شناختی و معرفتی بشری، فطرت انسانی و ظرفیت‌های وجودی آدمی را شکوفا می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۶۴۰). همچنین انس با زیبایی‌های طبیعی آفرینش بر لطافت و صفای باطن می‌افزاید و پیوند و اتصال درونی انسان با مبدأ هستی را تعمیق می‌بخشد؛ تا آنجا که طبیعت خاستگاه عروج انبیای الهی محسوب می‌شود که در دامن آن آموزه‌های توحیدی و عرفانی آموختند.

علاوه بر آن، در نصوص دینی، توجه به ظواهر عالم طبیعت و غفلت از حقایق باطنی و معنوی آن مذمت شده و بهره‌برداری هدفمند از آن در مسیر حرکت استکمالی انسان، زمینه ارتقای حیات متألّهانه و طیب و کسب ره‌توشه آخرت را فراهم می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ث، ص ۱۹-۲۲). براین‌اساس، محیط‌زیست قلمرو آزمون خداوند، عرصه تکلیف بشر و بستر شکوفایی استعدادها و کمالات انسانی محسوب می‌شود و بهره‌مندی از نعمت‌های عالم طبیعت و رفاه، امنیت و آسایش، آزمون شکرگزاری و مسؤولیت‌پذیری انسان تلقی شده، نعمت‌های آن و ابتلا به مصایبی مانند نقص در اموال، اولاد و انفس، علاوه بر امتحان صبر بندگان، تنبّه غافلان و دنیاگرایان به‌شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۸الف، ص ۲۱۱-۲۲۹).

بنابراین، با توجه به نقش و کارکرد طبیعت در تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان و آبادانی و تکامل محیط‌زیست، از لوازم کمال، تعالی و سلامت معنوی بشر به‌شمار می‌رود. از این رهگذر، معارف وحیانی در جهت حفظ سلامت و تعادل محیط‌زیست، مسئولیت‌ها و وظایف انسانی را تعریف و ارائه نموده و احترام به حیات و حقوق موجودات، احیای منابع طبیعی و عمارت زمین را از جمله اعمال عبادی بشر برشمرده است که علاوه بر نزول خیرات و برکات الهی، ثواب و منزلت اخروی را در پی دارد (همان، ص ۱۷۳-۱۷۹).

رابطه عملکرد انسان با مسائل زیست‌محیطی

بدون‌شک، نقش محوری انسان در تعاملات زیست‌محیطی و تأثیرات مستقیم یا غیرمستقیم عملکردهای وی در تحولات و بحران‌های طبیعت برجسته و بنیادین است. آگاهی، تدبیر و گستره تصرفات آدمی در زیست‌بوم و نسبت آن با ملکات و رفتارهای ایمانی و اخلاقی وی، در تنظیم روابط میان موجودات و ارتباطات آنها با انسان، حیات زیست‌بوم‌ها و چالش‌ها یا آبادانی‌های زیست‌محیطی نقش اساسی ایفا می‌کند. علاوه بر آن، با توجه به جایگاه عالم طبیعت در خلقت، هوشمندی و غایت‌مندی آن - که به تفصیل گذشت - تعاملات انسان با مخلوقات و حقایق زیست‌بوم، در ترقی یا تباهی محیط‌زیست و مجموعه هستی مؤثر بوده و ارتقا یا سقوط حیات بشر نیز متأثر از آن است (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۹۲-۹۱ و ۷۳۷-۷۳۸). بنابراین، تأثیرات متقابل روابط انسان و محیط‌زیست، با نگرش و رفتار آدمی در جهان و طبیعت مرتبط است که در قلمرو سنن الهی در عالم هستی اثبات و تبیین می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۹-۳۸).

در نگاه الهیاتی *آیت‌الله جوادی آملی*، ارتباطات آدمی با زیست‌بوم در گستره قوانین حاکم بر جهان هستی و مبتنی بر نقش خلیفه‌اللهی انسان و جایگاه طبیعت در نظام احسن و غایت‌مندی آن تکامل یافته است. براساس چنین نگرشی، عملکرد اخلاقی بشر در تعامل با پدیده‌های شعورمند و پویای طبیعت، کارکرد عناصر حیاتی زیست‌بوم، روابط و اهداف آنها را در چرخه زیست‌بوم‌ها تنظیم می‌کند که ثمرات آن را در پرورش ابعاد جسمی و روحی انسان و تربیت مادی و معنوی وی می‌توان مشاهده نمود.

این در حالی است که غفلت از مبانی الهیاتی دین اسلام در تعاملات زیست‌محیطی بشر، ضمن تأثیرگذاری بر رفتارها، روابط و آثار خاص پدیده‌های طبیعت، چرخه زیستی و نظام داخلی و غایی آن را به چالش کشیده و حیات و کمال انسان و سایر موجودات را به مخاطره افکنده است. بنابراین، ارتباط دوسویه عملکرد انسان و تحولات عالم طبیعت، با توجه به پیوند آدمی و حقایق جهان آفرینش و اثربخشی متقابل آنها در قلمرو قوانین حاکم بر نظام آفرینش توصیف می‌گردد. از یک‌سو، رفتارهای متفاوت بشر در تعامل با طبیعت، بر ایجاد تغییرات مثبت یا منفی در سلامت و بالندگی محیط‌زیست و ارتقای جایگاه آن مؤثر است. از سوی دیگر، رونق و آبادانی طبیعت یا اختلالات زیست‌محیطی، سلامت و نشاط آدمی و ثبات و پویایی اجتماع

بشری را متأثر می‌سازد. از این رو، ایشان تعامل انسان و طبیعت را در کمال جسمی و تعالی روحی او یا کاستی و سقوط وی تأثیرگذار می‌داند که رشد و ارتقا یا انحطاط و تباهی محیط‌زیست و مجموعه عالم وابسته به آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۷۹-۱۸۶).

در نگاه اعتقادی و قرآنی آیت‌الله جوادی آملی، بخشی از رویکردهای مزبور تحت عنوان «سنت‌های الهی در نظام هستی»، نسبت میان مجموعه ملکات و کمالات انسانی و رویدادهای عالم طبیعت را بررسی نموده است. بر این اساس، در رابطه با میزان بهره‌مندی آدمی از نعمت‌ها و برکات آفرینش و تأثیر گناه، طغیان و فساد وی در نزول عطایا و بلاها، مباحث و دقایق زیادی وجود دارد. همچنین تأثیر عقاید، اخلاق و عملکرد ایمانی بشر در تغییر سرنوشت اقوام و تبدیل و دگرگونی نعمت‌های الهی تحلیل گردیده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب، ص ۱۰۲-۱۰۳).

از سوی دیگر، در نگاه جامع‌نگر ایشان در تفسیر مجموعه آیات و روایات، کارکرد، آثار و روابط وقایع خلقت، با تصرفات و عملکرد انسان و ساختار نظام آفرینش مرتبط است که در گستره حکمت و غایت‌مندی افعال الهی و قوانین و سنن ثابت هستی محقق می‌گردد. با این حال، با توجه به اهمیت تأثیرگذاری عملکرد انسان در اصلاح زیست‌بوم و نقش آن در بحران‌های زیست‌محیطی، در آموزه‌های وحیانی، عقاید، احکام و تکالیف اخلاقی و شرعی، مبتنی بر ارتباطات و تعاملات انسان با محیط‌زیست سامان یافته است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب، ص ۱۶۸-۱۶۹). شناخت و تحصیل اصول زیست‌محیطی، پرهیز از تخریب محیط‌زیست و سعی در اداره، حفاظت و آبادسازی آن از بارزترین حقوق و تکالیف بشری به‌شمار می‌رود تا صحت، نشاط و تعالی جامعه و افراد آن تضمین گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۴).

نتیجه‌گیری

الهیات زیست‌محیطی حاصل مطالعات و یافته‌های جدید اندیشمندان و الهی‌دانان معاصر و از شاخه‌های مهم الهیات محسوب می‌شود که درصدد است با استفاده از سنن و منابع دینی و الگوهای الهیاتی، با تبیین نسبت میان خداوند و جهان هستی و تحلیل نقش و جایگاه انسان در رابطه با طبیعت، به ریشه‌یابی و چاره‌جویی بحران‌های محیط‌زیست بپردازد. در این میان، الهیات زیست‌محیطی آیت‌الله جوادی آملی مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناسی دین اسلام حائز اهمیت و تأثیر بسزایی است. از نظر ایشان، با نگرش توحیدی به طبیعت براساس نظام احسن و غایت‌مندی آن و تفسیر صحیح از مقام و نقش خلیفه‌الله در آفرینش، کارکرد و ثمرات زیست‌بوم در هستی، تکالیف و مسئولیت‌های آدمی در حفاظت، اداره و آبادانی محیط‌زیست و تعاملات آنان مبتنی بر اصول زیست‌محیطی حیات انسانی بدین شرح قابل استخراج است:

۱. تأمین نیازهای اولیه زندگی، رشد، کمال، سیر استکمالی انسان و حیات و بقای موجودات وابسته به طبیعت است.

۲. عناصر ساختاری زمین و تغییرات اقلیمی و جوّی بر بالندگی زیست‌بوم و ویژگی‌های جسمی و روحی آدمی تأثیرگذار است.

۳. نیازهای بنیادین آدمی از قبیل مسکن، تغذیه و پوشاک که در سامان‌یابی تن و جان انسان و تعادل و تکامل ابعاد وجودی وی مؤثر است، با محیط‌زیست و منابع طبیعی ارتباط دارد.

۴. آموزه‌های دینی به ویژگی‌های کیفی و کمی، بهداشت، آداب و شرایط بهره‌مندی انسان از طبیعت و منابع آن اهتمام ویژه‌ای دارد.

۵. گستره زمین عرصه کار، تلاش و فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی بشر محسوب می‌شود که در پرتو آن، علاوه بر تأمین سلامت و رونق زیست‌بوم، آسایش و امنیت آدمی و ارزش‌ها و کمالات فردی و اجتماعی محقق می‌گردد.

۶. در نگرش الهیاتی *آیت‌الله جوادی آملی*، طبیعت از کارکردهای عقلانی، اخلاقی و معنوی برخوردار است و از ارکان سلامت جسمی و روحی آدمی و لازمه ارتقای حیات متألهانه وی به‌شمار می‌رود.

۷. تأثیرات متقابل تعامل انسان و طبیعت که در قلمرو سنن ثابت الهی در آفرینش محقق می‌گردد، با اعتقادات و عملکرد ایمانی و اخلاقی بشر و ابتلائات الهی در حیات دنیوی مرتبط است که زمینه کمال یا سقوط انسان و ارتقا یا تباهی محیط‌زیست را فراهم می‌سازد.

چون بحران‌های محیط‌زیست حاصل غلبه جریان‌های فکری و فلسفی، به‌ویژه انسان‌گرایی (اومانیزم) و عرفیگری (سکولار) بر انقلاب‌های علمی - فرهنگی معاصر است، چنین رویکردی بشر امروزی را بی‌توجه به جایگاه طبیعت در آفرینش و مقام و نقش انسان در هستی، با نگاه ابزاری به زیست‌بوم، به سوی تخریب و بهره‌برداری حداکثری از آن سوق داده است. الهیات زیست‌محیطی *آیت‌الله جوادی آملی* ضمن جایگزینی جهان‌بینی توحیدی با نگرش مادی‌گرایانه و الحادی غرب، اصلاح معرفتی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی بشر را راهکار حل چالش‌های محیط‌زیست دانسته و با ارائه مبانی اسلامی توسعه پایدار، علاوه بر حفظ حیات و حقوق زیست‌بوم و موجودات، در جهت تأمین سلامت، امنیت، عدالت و سعادت فردی و اجتماعی بشر گام برمی‌دارد.

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، *تحف العقول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ابن عربی، محیی‌الدین، ۱۹۹۴، *الفتوحات المکیه*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- انصاری، معصومه و فاطمه لاجوردی، ۱۳۹۱، «دین یهود و مسائل زیست‌محیطی»، *پژوهشنامه ادیان*، سال ششم، ش ۱۱، ص ۲۹-۴۶.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *سروش هدایت*، چ پنجم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۴ الف، *معرفت‌شناسی در قرآن*، چ سوم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۴ ب، *حیات حقیقی انسان در قرآن*، چ دوم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۶، *سرچشمه اندیشه*، چ پنجم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۶ الف، *رحیق مختوم*، چ سوم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۶ ب، *تسریع در آینه معرفت*، چ پنجم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۷، *تفسیر تسنیم*، چ دوم، قم، اسراء، ج ۱۱.
- _____، ۱۳۸۷ الف، *نسبت دین و دنیا*، چ پنجم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۷ ب، *تحریر تمهیدالاقواعد*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، چ سوم، قم، اسراء، ج ۹.
- _____، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، چ دوم، قم، اسراء، ج ۱۶.
- _____، ۱۳۸۸ الف، *اسلام و محیط‌زیست*، چ پنجم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۸ ب، *حق و تکلیف در اسلام*، چ سوم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۸ ج، *شکوفایی عقل در برتونهضت حسینی*، چ پنجم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹، *تفسیر تسنیم*، چ پنجم، قم، اسراء، ج ۳.
- _____، ۱۳۸۹، *تفسیر تسنیم*، چ ششم، قم، اسراء، ج ۴.
- _____، ۱۳۸۹، *تفسیر تسنیم*، چ پنجم، قم، اسراء، ج ۱۰.
- _____، ۱۳۸۹، *تفسیر تسنیم*، چ سوم، قم، اسراء، ج ۱۳.
- _____، ۱۳۸۹، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء، ج ۲۱.
- _____، ۱۳۸۹ الف، *انتظار بشراز دین*، چ ششم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹ ب، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، چ چهارم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹ ت، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، چ چهارم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹ ث، *دنیاشناسی و دنیاگرایی در نهج‌البلاغه*، چ پنجم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹ ج، *تفسیر انسان به انسان*، چ پنجم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹، *جامعه در قرآن*، چ سوم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۰، *ادب فنای مقربان*، قم، اسراء، ج ۷.
- _____، ۱۳۹۰ الف، *تبیین براهین اثبات خدا تعالی شأنه*، چ ششم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۰ ب، *ادب قضا در اسلام*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۱، *مفاتیح الحیات*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۶، *آرژشیو دروس خارج تفسیر ۹۲-۹۱*، در: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

صالح، محمدحسن و علی حسینی، ۱۳۹۶، «نقد و بررسی مدل‌های الهیات محیط‌زیست در مسیحیت نوین» *ادیان و عرفان*، سال پنجاهم، ش ۱، ص ۱۰۳-۱۲۷.

صدرالمتألهین، ۱۹۸۱م، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة*، ج سوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج دوم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

غیاث، مجید و مریم شرقی، ۱۳۹۷، «نقش پارامترهای اقلیمی بر سلامت و بیماری‌های روحی و روانی افراد»، *طب سنتی اسلام و ایران*، سال نهم، ش ۱، ص ۱۳-۲۳.

کشفی، محمدحسین و همکاران، ۱۳۹۳، «بررسی مبانی فلسفی سکنان‌گزینی از دیدگاه پدیدارشناسی با تکیه بر ارزش‌های اسلامی - ایرانی»، *اندیشه دینی*، دوره چهاردهم، ش ۲، پیاپی ۵۱، ص ۵۵-۸۰.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، ج چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

نصر، سیدحسین، ۱۳۸۶، *دین و نظام طبیعت ترجمه محمدحسن فن‌فوری*، ج دوم، تهران، حکمت.

Abbagnano, Nicola, 1972, "Humanism", in *The Encyclopedia of Philosophy*, Paul Edwards, New York, Macmillan and Free Press.

Bacon, Francis, 2000, *New Organon*, London, Cambridge University Press.

Heidegger, Martin, 1977, *The Question Concerning Technology*, New York, Garland Publishing.

Hume, Robert Ernest, 1959, *The world's living Religions: with special Reference to their sacred*, Oxford, University Press.

Lal. Rattan, 2015, *Academic Editor: Marc A. Rosen. Restoring Soil Quality to Mitigate Soil Degradation*, The Ohio State University, Columbus, OH 43210, USA. Sustainability journal.

Mann, Jim and Truswell, A. Stewart, 2002, *Essentials of Human Nutrition*, Second Edition, Oxford University Press.

Online Oxford Reference, Oxford university Press.

Schlösser, C. Adam and Strzepek, Kenneth and Gao, Xiang and Fant, Charles and Blanc, Eodie and Paltsev, Sergey and Jacoby, Henry and Reilly, John and Gueneau, Arthur, 2014, *The Future of Global Water Stress: An Integrated Assessment*, AUG Earth's Future, V. 2, Issue 8, p. 341-361.